



شهرآرامحله از کمک‌های بی دریغ مردم به ستاد پشتیبانی استان خراسان در زمان جنگ گزارش می‌دهد

چه کم‌داری رزمنده؟

منطقه



بارها از والدینمان شنیده‌ایم؛ خاطراتی که مادرانمان از جمعشان در مساجد یا مدارس می‌گفتند. روزگاری که قند می‌شکستند، آب میوه می‌گرفتند، خیاطی می‌کردند و... کمک‌هایی که در استان خراسان در نهایت در ستاد پشتیبانی منطقه ۴ واقع در چهار راه لشکر جمع می‌شد و به دست رزمندگان می‌رسید. مکانی که روزگاری انبار شرکت مینو بود و از دهه ۶۰ در اختیار ستاد قرار گرفت. پس از پایان جنگ نیز به مالکان دیگری واگذار شد.

می‌اندازد. در صحنه‌ای دیگر، خانم‌هایی به ردیف نشسته‌اند که در مقابلشان چرخ‌های خیاطی زانومه قرار دارد؛ یکی می‌برد و دیگری می‌دوزد. در تصاویر دیگر الگوها و انگشترهای طلایی دیده می‌شود که در کنار هم قرار گرفته‌اند. پایان بخش فیلم هم مردانی هستند که با سر بند قرمز و سبز «یامهدی» (ع) (ادرکنی) و «بازهراس» لباس جنگ به تن کرده‌اند تا برای حفظ آب و خاک کشور در مقابل دشمن تمام قد بایستند. این حال و هوای مردم مادر طول هشت سال دفاع مقدس بوده است که

حمیده صفانی-سمیرا منشادی آن قدر فیلم قدیمی است که گاهی یک خط باریک از روی آن رد می‌شود. تصاویر آن در گذر زمان به رنگ قهوه‌ای تغییر کرده، اما محتوایش آن قدر دل چسب است که سبب می‌شود چندین و چند بار تماشايش کنیم. در کنار پرچم‌هایی که نوشته «ستاد پشتیبانی جنگ» و «آرم سپاه را دارند، صندوق‌های شیشه‌ای و فلزی روی میز قرار داده شده‌اند. پیرمردی در همان ابتدای فیلم با کلاه سفید حج که به سر دارد و بادستان چروکیده‌اش اسکناسی را داخل صندوق

● کمک‌ها حد و مرز نداشت

وقتی در مقابل ساختمان ستاد پشتیبانی می‌ایستیم، دیگر خبری از آن ساختمان قدیمی با پنجره‌های چوبی و هیاهوی مردمی نیست. در طول هشت سال دفاع مقدس کمک‌های مردمی را از سراسر استان خراسان بزرگ جمع می‌کردند و به این نقطه می‌آوردند تا پس از دسته‌بندی به جبهه بفرستند. اما حالا سال‌هاست جای آن اتاق‌های تودرتو را که دفتر پشتیبانی بودند، مطب دندان پزشکی و نمایشگاه‌های خودرو گرفته است. در انبارهای پشت نیز به جای آن بسته‌بندی‌ها خودروهای نمایشگاه قرار دارند.

حسین آذرینوا، رئیس پشتیبانی جنگ در استان خراسان رضوی در زمان جنگ که از همان ابتدا مدیریت این مکان را بر عهده داشته، بهترین راهنمای ماست تا با فعالیت‌های این مکان در آن دوران آشنا شویم. او با اشاره به اینکه با آغاز جنگ تحمیلی کم‌کم متوجه کمبودها شدیم، می‌گوید: آن‌هایی که به جبهه می‌رفتند، متوجه شدند رزمندگان به چه چیزهایی نیاز دارند که تهیه آن در زمان اندک خیلی آسان نیست. به عنوان مثال، اولین گروه دیدند تهیه نان در خط مقدم مشکل است و به هم‌شهریان نشان گفتند برای نان مشکل داریم. آن‌ها نان‌های محلی می‌پختند و به جبهه می‌فرستادند تا اینکه توانستیم نانوایی‌های سیار را به کمک صنف خبازان در جبهه برپا کنیم.

انگار مادران دوست داشتند هر چه خودشان در خانه استفاده می‌کنند، برای فرزندانشان هم بفرستند. تهیه دیگر مایحتاج مانند قند و چای، کمپوت و ترشی و... جزو دیگر کارهایی بود که کم‌کم بینشان رایج شد. برای بسته‌بندی این اقلام و ماندگاری‌اش، گروه خواران در انبار خیبر آخر سی متری طلاب فعالیتشان را آغاز کردند. آن‌ها در آنجا رب، کمپوت

و ترشی می‌جوشاندند و کنسروی می‌کردند تا ماندگاری‌اش بیشتر شود، سپس به جبهه می‌فرستادند. این هم بستگی و همدلی به خورد و خوراک و پوشاک ختم نشد؛ از همان ابتدا هر که هر چه داشت، بی دریغ برای جبهه می‌فرستاد؛ از پول و طلا گرفته تا یک بلیت اتوبوس.

آذرینوا مکتبی می‌کند و ادامه می‌دهد: یکی از بچه‌هایی که پای صندوق ایستاده بود، برایم تعریف کرد خانمی به صندوق کمک کرد، اما متوجه نشدم چه چیزی در صندوق انداخت. صدایش زدم و پرسیدم مادر جان چه چیزی انداختی؟ نگاهی به صورتم کرد و گفت من چیزی ندارم که بخواهم به رزمندگان کمک کنم، اما بلیت اتوبوسی را که قرار بود از حرم تا خانه بروم، دادم و خودم پیاده به خانه می‌روم. خانم دیگری هم که گردن بندش را داخل صندوق می‌اندازد، صدامی زنند تا بیاید رسید بگیرد. نگاهی می‌کنم و می‌گویم برای فرزندم که به جبهه فرستادمش، رسید نگرفتم، برای این گردن بند رسید بگیرم؟

● اصناف پای کار آمدند

در کنار کمک‌های خودجوش مردمی، همه اصناف پای کار آمدند و متناسب با تخصصشان کمک می‌کردند.

او توضیح می‌دهد: هر روز به یک کارخانه سری می‌زدیم و از اوضاع جبهه می‌گفتیم. کارخانه‌دارها از نظر مالی به ما کمک می‌کردند و اگر کارگرانشان می‌خواستند برای کمک به خط مقدم بروند، به آن‌ها مرخصی ۴۵ روزه می‌دادند. در این مراوده‌ها هم از نظر نیروی انسانی و هم مالی تأمین می‌شدند.

آذرینوا که خودش قبل از ورود به سپاه تولیدی داشته و جنس کار بازار را به خوبی می‌شناسد، ادامه می‌دهد: موتور سیکلت یکی از وسایلی بود که بیشتر از همه در جبهه استفاده می‌شد و به دلیل استفاده زیاد خراب می‌شد و نیاز به افرادی بود که بتوانند تعمیرش کنند. برای همین، این صنف پای کار آمدند و دست در دست یکدیگر دادند و در طول جنگ یاری رسان رزمندگان بودند. آن‌ها علاوه بر تهیه لوازم یدکی از بازار، در شهرهای مختلف خودشان به خط مقدم می‌رفتند تا خدمات موتوری را انجام دهند.

